

کارگشایی بسیج ناب در نظریه توسعه اسلامی - ایرانی

نویسنده: دکتر حسین درّی نوگورانی^۱

تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۲۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۸/۲۳

فصلنامه مطالعات بسیج، سال سیزدهم، شماره ۴۹، زمستان ۱۳۸۹

چکیده

اندیشه مکتوب پیشرفت و رشد اقتصادی، به سده‌های گذشته بازمی‌گردد. در طول تاریخ، با توجه به نارسایی‌های معیارهای رشد حجم فعالیت‌های اقتصادی و پس از مدتی، مشکل توزیع درآمد و تأثیر آن بر زندگی مردم و کاستی‌هایی دیگر، بحث توسعه اقتصادی در تکمیل اندیشه رشد اقتصادی مطرح شد. در مراحل بعدی، تأمین نیازهای اساسی و اذعان به اهمیت عامل انسانی در توسعه و همچنین حق نسلیها در استفاده از منابع و ملاحظات زیست‌محیطی و در سال‌های اخیر، توجه به نهادها و نهادها با رویکرد توانایی‌ها و استحقاق‌های انسانی، موجب ارائه مفاهیمی از جمله توسعه انسانی، توسعه پایدار و توسعه به معنای آزادی (توانایی در انتخاب نوع و شیوه زندگی) شده است. در این مراحل، به تدریج نقش عنصر کارآفرین در توسعه اقتصادی بارزتر شد. مطالعه مقایسه‌ای نقش "Entrepreneur" در نظریه توسعه متعارف اقتصادی و نقش بلندمدت عنصر بسیجی در قوام و استمرار و گره‌گشایی و انگیزش نظام و انقلاب اسلامی، این فرضیه را اثبات می‌کند که نسبت بسیج ناب (آرمانی) با توسعه اسلامی - ایرانی، متناظر نسبی نسبت کارآفرینی با توسعه متعارف اقتصادی است. البته روشن است که سازمان بسیج موجود و مفهوم بسیج مطرح شده در جامعه، با وجود تلاش‌های انجام شده ارزشمند، لزوماً با بسیج آرمانی مطابقت ندارد و ایجاد نقشه‌راه و تدوین گام‌های ضروری و پیگیری بی‌وقفه و جدی آنها برای دستیابی به بسیج مطلوب، الزامی تخلف‌ناپذیر برای کل نظام است.

واژگان کلیدی:

بسیج، بسیج ناب، توسعه، کارآفرینی، توسعه ایرانی - اسلامی.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع).

مقدمه

در سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام، ایران کشوری است توسعه یافته؛ و جامعه ایرانی، جامعه‌ای با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی؛ امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت؛ فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایتمند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن؛ با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم؛ الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام؛ با نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، هدف‌گذاری شده است.

توسعه‌ای که در سند چشم‌انداز به آن اشاره شده است، به تصریح مقام معظم رهبری، باید پیشرفتی به اصطلاح اسلامی - ایرانی (بومی در عین اذعان به مشترکات مثبت و مطلوب با دیگران) همراه با عدالت باشد. دستیابی به چنین نوع و سطح پیشرفتی، بسترها و مقدمات و لوازم خاص خود را می‌طلبد که البته بدون آنها نمی‌توان اهداف چشم‌انداز را تحقق بخشید.

در این مقاله، درصدد هستیم که پس از مقدمه و معرفی فشرده نظریات محوری توسعه و روند آنها، جایگاه کارآفرینی را در اندیشه متعارف توسعه - به عنوان عامل کارگشا و برترساز - بررسی کنیم و با توجه به اندیشه بسیج ناب در جمهوری اسلامی ایران، به تعیین تکلیف این فرضیه اساسی پردازیم که: «نسبت بسیج ناب (آرمانی) با توسعه اسلامی - ایرانی، متناظر نسبی نسبت کارآفرینی با توسعه متعارف اقتصادی است».

مفهوم‌شناسی

مفهوم و سیر تحول اندیشه توسعه اقتصادی

در دنیای غرب، پیشرفت و ترقی،^۱ گسترش^۲ و رشد^۳ اقتصادی، از زمان نخستین بررسی‌های اقتصادی مکتوب که آغازگر علم اقتصاد به معنای امروزی بوده‌اند، مورد

1. Progress and Advancement

2. Expansion

3. Growth

توجه قرار گرفته است.^۱ از جمله، در اولین کاربردهای مکتوب در سده هجدهم میلادی، آدام اسمیت در کتاب ایده‌ساز خود با عنوان «کنکاشی درباره ماهیت و علل ثروت ملل» (۱۷۷۶) کمی پس از بروز انقلاب صنعتی،^۲ به موضوعاتی از قبیل بهسازی^۳ اقتصادی در قالب ارتقای قدرت تولیدی نیروی کار و همچنین بهسازی کشور در نتیجه تجارت اشاره می‌کند. (Smith, 1809, P.10, 330)

در قرن بیستم، رشد اقتصادی به ویژه از جنگ جهانی دوم به بعد، با استقلال برخی کشورها مورد توجه قرار گرفت. این امر موجب شد این کشورها با مقایسه وضعیت اقتصادی خود با کشورهای استعماری و احساس عقب‌افتادگی شدید، درصدد تلاش برای بهبود و رشد فعالیتهای اقتصادی خود برآیند. در این تلاش، کشورهای استعماری به عنوان کشورهایی رشدیافته، الگوی عملی پیشرفت این کشورها به عنوان کشورهایی رشدنیافته شدند و به تدریج، تقسیم‌بندی کشورها به صورت یادشده با تأکید بر رشد صنعتی رواج یافت.

الگوهای سوسیالیستی توسعه که به ظاهر بر عدالت اجتماعی و تأمین نیازهای پایه‌ای از طریق نظام دستوری و برنامه‌ریزی مرکزی متمرکز بودند، در دهه ۱۹۵۰ در کشورهای بلوک شرق به اجرا درآمدند. در پایان جنگ جهانی دوم، «طرح مارشال» (۱۹۴۹) که از سوی کشور پیروز واقعی جنگ (ایالات متحده آمریکا) برای نجات و بازسازی اقتصاد کشورهای درهم‌شکسته اروپایی در دستور کار قرار گرفت، مبداء تحول در اندیشه پیشرفت اقتصادی شد. با این طرح اقتصادی، ایالات متحده امیدوار بود که از پیشرفت کمونیسم جلوگیری و حکومتهای دموکراسی خارجی را تقویت و در همان حال، کارخانجات خود را نیز با ایجاد قدرت خرید کشورهای اروپایی، رونق بخشد و اشتغال

۱. گفته می‌شود که تحلیل «دانش عمران» (علم العمران) برای نخستین بار توسط ابن‌خلدون (۸۰۸-۷۳۲ ق/۱۴۰۶-۱۳۳۲ م) در سال ۷۷۹ قمری صورت گرفته است. در این کاربرد، واژه «عمران» به معنای «اجتماع» به کار رفته و علم عمران با مفهوم جامعه‌شناسی (کشف علل و عوامل مؤثر در رویدادهای اجتماعی و بیان شرایط و زمینه‌های تحقق آنها) استفاده شده است.

۲. اختراع ماشین بخار در انگلستان (۱۷۶۰) به علت اهمیتی که در ساخت کارخانه‌ای داشته است، به عنوان آغاز انقلاب صنعتی قلمداد می‌شود.

فراوان داخلی ایجاد کند. بنابر این، انگیزه‌های طرح مارشال از نتایج صرف کمک و بازسازی اقتصادی فراتر بود (ر.ک. به: پالم، ۱۳۸۴، ج ۲، فصل ۴).^۱ کمتر از یک دهه بعد از اجرای طرح مارشال، در سال ۱۹۵۸ ایده «گذر از جامعه سنتی»^۲ مطرح و مدرن‌سازی (نوسازی و نوگرایی) بر محور سبک زندگی آمریکایی^۳ در کنار مفهوم رشد اقتصادی مطرح شد. در این مفهوم‌سازی، «پیشرفت اقتصادی» مترادف با «پیشرفت آمریکایی» قلمداد شد.

تأکید بر رشد اقتصادی که با انباشت سرمایه فیزیکی به ویژه در صنعت، به کمک تجهیز پس‌اندازها عملی می‌شد، با تمرکز بر شاخص درآمد سرانه، از دهه ۱۹۶۰ رونق گرفت. در پی بروز نابرابری‌های اعتراض‌آمیز و ایجاد شکافهای اجتماعی، در دهه ۱۹۷۰ به توزیع درآمد نیز توجه خاص شد و در مطالعات و مجامع بین‌المللی، عبارت «توسعه اقتصادی»^۴ نیز به جای «رشد اقتصادی» فراگیر شد.

با وجود افزایش درآمد سرانه و تأکید بر اهمیت شاخص توزیع درآمدها، بسیاری از مردم در کشورهای در حال توسعه، کماکان از عهده تأمین نیازهای اولیه گذران زندگی خود بر نمی‌آمدند. این نارسایی در نظریه رایج توسعه، از جمله با طرح موضوع «نیازهای اساسی» از سوی سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۷۵، در نظریه پردازی توسعه اقتصادی چاره‌جویی شد و تأمین این نیازها در دستور کار توسعه کشورها قرار گرفت تا تأثیر عملی توسعه در زندگی عمومی مردم به طور ملموس بروز یابد.

۱. طرح مارشال ایده موفق آن، به شکل‌گیری نهادهایی از جمله بانک جهانی با نام بانک بین‌المللی برای ترمیم (بازسازی) و توسعه (International Bank for Reconstruction and Development) در سال ۱۹۴۴ و پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در سال ۱۹۴۹ منجر شد که در تشکیل همه آنها، ایالات متحده آمریکا نقش اساسی را ایفا می‌کرد. از این زمان به بعد، در مواردی، «کمک توسعه‌ای» با «کمک خارجی» (پیشرفت کشورهای رشدنیافته با استفاده از کمک خارجی) مترادف در نظر گرفته شد.

۲. "The Passing of Traditional Society: Modernizing the Middle East" این عنوان، نام کتاب دانیل لرنر (Daniel Lerner) - جامعه‌شناس آمریکایی - است. (ر.ک. به: رفیع پور، ۱۳۷۷)

3. The American Way/Style of Life

۴. واژه Development در حدود سال ۱۷۵۰ با اشاره به روندهای تغییر و پیشرفت در هر شکلی از فعالیت انسانها، سازمانها و نهادها وارد زبان انگلیسی شده است. در برخی کتابهای فرهنگ لغات، با این توضیح که این واژه، از لفظ لاتین "de" و "volutu" به معنای «آشکار ساختن» گرفته شده است، Development را «آشکار کردن تدریجی» معنا کرده‌اند. (IDRC)

بهره‌برداری بی‌رویه از منابع و امکانات برای افزایش سطح رفاه و تأمین نیازهای اساسی، به تدریج پیامدهای وخیم خود را بروز داد و کاهش فرصت برخورداری نسلهای آینده با تهی شدن منابع حیاتی و همچنین ملاحظه هزینه‌های زیست‌محیطی به ویژه در رابطه با فعالیتهای حجیم صنعتی، در دهه ۱۹۸۰ مفهوم جدیدی با عنوان «توسعه پایدار»^۱ را فراروی کشورهای جویای توسعه اقتصادی قرار داد. مفهوم وسیع توسعه پایدار، اغلب مبتنی بر «گزارش برانتلند»^۲ در سال ۱۹۸۷ است که در آن، بر تضمین تأمین نیازهای نسل حاضر بدون خدشه‌دار شدن تأمین نیازهای نسلهای آینده در فرایند توسعه تأکید شد. بنا بر آخرین نسخه معرفی شاخصهای توسعه پایدار سازمان ملل (DESA)، شاخصهای پیشنهادی کمیسیون توسعه پایدار در ۱۴ زمینه اصلی به صورت ذیل ارائه شد: «فقر؛ اداره امور عمومی (حکمرانی/طرز حکومت)؛ سلامت (بهداشت)؛ آموزش؛ امور جمعیت‌شناختی، مخاطرات طبیعی، امور آب و هوایی و جوی؛ زمین؛ اقیانوسها، دریاها و سواحل؛ آب گوارا (شیرین)؛ تنوع زیستی؛ توسعه اقتصادی؛ همکاری با اقتصاد جهانی؛ الگوهای مصرف و تولید».

در این میان، توسعه اقتصادی به عنوان یکی از محورهای چهارده گانه، مطرح و عملکرد اقتصادی کلان، مالیه عمومی پایدار، اشتغال، فناوری های اطلاعات و ارتباطات، تحقیق و توسعه، گردشگری، تجارت و تأمین مالی خارجی، به عنوان متغیرهای تعیین کننده (زمینه فرعی) آن در نظر گرفته شد. «نابرابری در آمدی» نیز به عنوان متغیری در چارچوب زمینه اصلی فقر لحاظ شد و بنا به تجربیات گذشته، تأمین نیازهای اساسی (مبارزه با فقر) و فراگیری توسعه (توزیع برابر)^۳ نیز در مفهوم توسعه پایدار گنجانیده شد. با وجود تمامی تلاشهای گذشته، به تدریج غفلت از انسان به عنوان محور توسعه، در تمامی دیدگاههای یادشده مورد بحث قرار گرفت. «آمارتیا سن»^۴ (اقتصاددان هندی برنده جایزه نوبل) در دهه ۱۹۸۰، ضعف ملاحظه نهادها و هنجارها و توانایی‌های انسانی را در نظریه رایج توسعه، گوشزد و ایده «توسعه به عنوان آزادی (آزادی انتخاب راه‌های

1. Sustainable Development

2. Brundtland Report

۳. البته کماکان «عدالت» در سطح «برابری»، آن هم برابری در آمدی، محدود شد.

4. Amartya Sen

مختلف زندگی و اندیشیدن) با رویکرد توانایی^۱ را در ادبیات علمی توسعه مطرح کرد. از دیدگاه او، توسعه عبارت است از گسترش توانایی‌ها؛ داشتن آزادی در انتخاب راههای مختلف اندیشیدن و شیوه زندگی. رفاه انسانها به عنوان محور توسعه، نه صرفاً یک اثر جانبی (فرعی) ساختگی، بلکه هم هدف و هم وسیله توسعه است. آزادی‌ها نه فقط اهداف اصلی توسعه، بلکه در میان ابزارهای اساسی آن قرار دارند. توسعه باید به عنوان فرایندی در نظر گرفته شود که آزادی‌ها را گسترش می‌دهد. برای دستیابی به توسعه، باید فقر، استبداد، فقدان فرصتهای اقتصادی، محرومیت اجتماعی، فقدان خدمات عمومی و تشکیلات سرکوب از میان برداشته شوند.

در دهه ۱۹۹۰ مفهوم توسعه انسانی در چارچوب گزارشهای بین‌المللی سازمان ملل از سوی «محبوب الحق»^۲ (اقتصاددان پاکستانی) با این ایده مطرح شد که مردم به عنوان محور فرایند توسعه لحاظ شوند. بنابر این ایده، اگر چه رشد تولید ملی برای تأمین اهداف اساسی انسانها لازم است، اما چگونگی تبدیل این رشد به توسعه انسانی در جوامع مختلف مهم است. هدف اصلی توسعه، ارتقای انتخابهای مردم است. این انتخابها می‌تواند بی‌شمار باشند و در خلال زمان تغییر کنند. مردم اغلب، دستاوردهای ارزشی‌ای دارند که هرگز - یا به طور فوری - در ارقام درآمد یا رشد نشان داده نمی‌شوند که دستیابی بیشتر به آگاهی، خدمات بهتر تغذیه و سلامت، گذران زندگی امن‌تر، امنیت در برابر جرم و خشونت فیزیکی، برخورداری از ساعات فراغت، آزادی‌های سیاسی و فرهنگی و احساس مشارکت در فعالیتهای اجتماعی از آن جمله هستند. هدف توسعه آن است که فضایی برای مردم ایجاد کند که بتوانند از زندگی طولانی‌تر، سالم‌تر و خلّاق برخوردار شوند. (UNDP, 1990)

در پایان این قسمت، با یک نگرش کلی در دیدگاه متعارف معاصر، توسعه پایدار انسانی عبارت است از: رشد سرمایه‌ها - اعم از فیزیکی و انسانی و ... - و گسترش ظرفیتهای و ارتقای توانایی‌ها و استحقاقهای عمومی به همراه توزیع برابر فرصتها و امکانات و رفع نیازهای اساسی.

1. Capabilities Approach :CA

2. Mahbub ul Haq

مفهوم و نقش کارآفرینی

الف) مفهوم و پیشینه کارآفرینی

واژه "Entrepreneur" که در حال حاضر با مسامحه به «کارآفرین» ترجمه می‌شود،^۱ از شکل فعلی کلمه فرانسوی "Entreprenre"^۲ در قرن سیزدهم به معنای «انجام کاری» یا «بر عهده گرفتن» گرفته شده است. در قرن شانزدهم شکل اسمی این کلمه درباره کسی به کار می‌رفته که اقدامی (ابتکاری) مخاطره آمیز^۳ در کسب و کار را بر عهده می‌گرفته است.^۴

نخستین کاربرد دانشگاهی این واژه احتمالاً از سوی یک اقتصاددان به نام «ریچارد کانتیلون»^۵ در سال ۱۷۳۰ بود که ویژگی آمادگی برای تحمل مخاطره مالی شخصی در یک فعالیت مخاطره آمیز کسب و کار را برای کارآفرین مطرح کرد. در اوایل دهه ۱۸۰۰، «ژان باتیست سی» و «جان استوارت میل» کاربرد این واژه را عمومیت بیشتری بخشیدند. باتیست سی بر نقش کارآفرین در ایجاد ارزش به وسیله حرکت دادن منابع از زمینه‌های کمتر مولد به زمینه‌های مولدتر تأکید کرد. استوارت میل در سال ۱۸۴۸ در کتاب معروف خود با عنوان «اصول اقتصاد سیاسی» از واژه کارآفرین برای اشاره به کسی استفاده کرد که هر دوی مخاطره و مدیریت یک کسب و کار را می‌پذیرد.

۱. برخی نویسندگان، ترجمه مزبور را به دلایلی - از جمله اینکه Entrepreneurship یک شیوه و سبک زندگی است و فقط به کار محدود نمی‌شود - دقیق قلمداد نمی‌کنند و به کار بردن واژه‌هایی نظیر «ارزش آفرین» را برای بیان این مفهوم مناسب‌تر می‌دانند (ر.ک. به: صمدآقایی، ص ۱۹). برخی نیز این اصطلاح را با «خوداشتغالی» (Self Employment) مترادف گرفته یا خوداشتغالی را شاخصی از کارآفرینی در نظر گرفته‌اند (Naude, 2008; Desai, 2009). با وجود این، در این تحقیق بنا به کاربرد معمول، ما نیز از واژه «کارآفرین» استفاده می‌کنیم.

۲. از سه جزء Entre به معنای «وارد شدن» و Pre به معنای «پیش/قبل» و Neur به معنای «مرکز عصبی»؛ یعنی کسی که به موقع به کسب و کاری وارد می‌شود تا تغییری اساسی در مرکز عصبی (فرماندهی) آن ایجاد کند. (Hill, 2003, P.15)

3. Venture

۴. ابتدا کسانی را که در امر هدایت مأموریت‌های نظامی بودند، کارآفرین می‌خواندند. از آن پس، درباره دیگر انواع مخاطرات نیز همین واژه با محدودیت‌هایی مورد استفاده قرار می‌گرفت. از حدود سال ۱۷۰۰ به بعد، فرانسویان درباره پیمانکاران دولت که دست‌اندر کار ساخت جاده، پل، بندر و تأسیسات بودند، بارها لفظ کارآفرین را به کار برده‌اند. (احمدپور، ۱۳۸۹، ص ۴؛ به نقل از: کوچران)

5. Richard Cantillon

دو اقتصاددان شاخص قرن نوزدهم - ژوزف شومپتر و عزرائیل کرزнер^۱ - در کاربرد صحیح دانشگاهی کارآفرینی نقش بیشتری یافتند. شومپتر بر نقش کارآفرین به عنوان فرد نوآوری که با ارائه کالاهای جدید یا روشهای جدید تولید، تحولاتی در اقتصاد ایجاد می‌کند، تأکید کرد. در دیدگاه او، کارآفرین، نیرویی است که در اقتصاد درهم گسستگی ایجاد می‌کند. شومپتر بر فرایند سودمند «ویرانی خلاق»^۲ تأکید می‌کند که در آن، ارائه محصولات جدید، به منسوخ شدن یا شکست محصولات قدیمی (بدون مزیت و ویژگی بارز ماندگار) می‌انجامد. کرزнер بر خلاف برداشت شومپتر از کارآفرین به عنوان یک نیروی مخرب، کارآفرین را یک نیروی ترازکننده (تعادل‌آفرین)^۳ معرفی می‌کند. در سالیان بعد، مکتب اقتصادی نوین اتریش، ایده‌های شومپتر و کرزнер را تکامل بخشید. (Sobel)

مروری بر سیر تحول نگرش به کارآفرینی آشکار می‌کند که کارآفرینی در متن نظریه‌های اقتصادی تبلور یافت و از قرن نوزدهم تا دهه ۱۹۶۰ تنها اندیشمندان اقتصادی به آن پرداختند که بعد از آن، همراه با گرایش تحلیلهای اقتصادی به استفاده از شیوه‌های آماری و ریاضی، عملاً از نظریه‌های اقتصادی حذف شد^۴. (احمدپور، ۱۳۸۹، ص ۲۶؛ به نقل از جنینگز)

با خارج شدن کارآفرین از نظریه‌ها اقتصادی - به ویژه الگوهای مقداری توسعه - همراه با پررنگ شدن نقش کارآفرینان در توسعه اقتصادی، روان‌شناسان با هدف ارائه نظریه‌هایی مبتنی بر ویژگی‌های شخصیتی و همچنین با تفاوت قایل شدن بین کارآفرینان با مدیران و غیر کارآفرینان، به بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینان پرداختند. (همان، ص ۲۷)

از سال ۱۹۶۰ به بعد، با مشخص شدن نتایج مطالعات درباره کارآفرینان و نقش آنان در توسعه اقتصادی، بسیاری از کشورها به این موضوع توجه جدی کردند؛ به طوری که

1. Israel Kirzner

2. Creative Destruction

3. Equilibrating Force

۴. شاید این مسکوت ماندن به علت دشواری فرموله کردن جایگاه و رفتار کارآفرین در قالب فرمولهای ریاضی اقتصادی و شاخصهای آماری باشد.

در نظریات جدید توسعه، فراوانی و انباشت سرمایه، عامل رشد اقتصادی محسوب نمی‌شود، بلکه کارآفرینان، عامل اصلی در این خصوص تلقی می‌شوند. این موضوع موجب شده است سرمایه‌گذاری برای گسترش سرمایه‌های فکری و تمرکز بر توسعه انسانی - که در بحث توسعه از آن سخن به میان آمد - برای مقابله با چالشهای ناشی از پدیده جهانی شدن و استفاده از فرصتها، در رأس سیاستهای دولتها و شرکتهای در کشورهای مختلف قرار گیرد. ایالات متحده آمریکا از دهه ۱۹۷۰ به موضوع کارآفرینی توجه جدی کرده و از دهه ۱۹۸۰ تا کنون، توسعه آموزش کارآفرینی به یکی از موضوعات راهبردی این کشور تبدیل شده است. سایر کشورهای توسعه یافته صنعتی نظیر آلمان، ژاپن و انگلستان، از اواخر دهه ۱۹۷۰ به بعد، راهبردهای خود را بر توسعه کارآفرینی قرار داده‌اند. نگاهی به کشورهای تازه توسعه یافته نظیر کره جنوبی، سنگاپور، مالزی و چین نشان می‌دهد که آنها نیز تجارب موفق در این زمینه داشته‌اند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز توجه به کارکنان و توسعه کارآفرینی، جزء محورهای اصلی برنامه‌های توسعه قرار گرفته و در حال حاضر می‌توان گفت موجی از کارآفرینی در دنیا به وجود آمده است. (شفیع‌زاده و شجاعی، ۱۳۸۷، ص ۵۰)

در پایان، مقتضیات مختلف زمانی و مکانی و تفاوت در رشته‌های تخصصی و دیدگاههای شخصی اندیشمندان و تمرکز بر جنبه‌های گوناگون، موجب شده است که ارائه تعریفی مورد توافق از کارآفرینی و کارآفرین ناممکن شود. تعریف لغوی، تعریف به موضوع، تعریف به هدف، تعریف به ویژگی و کارکرد و تعریف به پیامد فعالیت و اقدام، حتی در عین صحت، همگی متضمن بیانهای مختلف در این زمینه است.^۱ در این قسمت، با مسامحه می‌پذیریم که بنا به نگرش متعارف، کارآفرینی عبارت است از فرایند ایجاد چیز جدید با ارزشی، با اختصاص دادن وقت و تلاش لازم، ضمن بر عهده گرفتن مخاطرات مالی، فیزیکی، و اجتماعی همراه با آن، و در همان حال، دریافت پاداش پولی حاصل شده و رضایت و استقلال شخصی. به تعبیری؛ کارآفرینی، فرایند پویای خلق چیز جدید و ثروت‌افزایی است. با این تعریف، «کارآفرین» شخصی است که پیشگام می‌شود،

۱. برای آگاهی از تعریفهای یکجای متعدد، ر.ک. به: رستگار، ۱۳۸۷؛ Naude, 2010; Perren, 2003

فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را سازماندهی می‌کند و خطر زیان و شکست را پذیرا می‌شود.

ب) نقش کارآفرینی در توسعه و ویژگی‌های کارآفرینان

همان گونه که گفته شد، با وجود مسکوت گذاشته شدن کارآفرینی در الگوهای ریاضی اقتصادی^۱، کارآفرینی در قرن بیستم به مراتب بیشتر مورد توجه قرار گرفت؛ به ویژه آنکه با مطالعه مقایسه‌ای ویژگی‌ها و فرایندها و عوامل مؤثر و عناصر تمایزآفرین در رشد و توسعه کشورهای مختلف، نقش کارآفرین بیش از پیش شناخته شد.

بر اساس آنچه گفته شد، درباره نقش مهم و برترساز کارآفرینی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها تردیدی وجود ندارد؛ اگر چه چگونگی تأثیرگذاری آن موضوع بحث و مطالعات تجربی فراوان بوده است (ر.ک. به: Naude, 2010, APPENDIX A). البته مطالعات درباره کشورهای توسعه یافته صنعتی به مراتب بیش از مطالعه موردی کشورهای در حال توسعه بوده است.

برخی از اندیشمندان، به ویژه با نگرشی بلندمدت^۲، کارآفرینی را موتور و پیشران توسعه قلمداد کرده‌اند؛^۳ برخی آن را از منابع مهم و پایان‌ناپذیر جوامع به حساب آورده‌اند (احمدپور، ۱۳۸۹)؛ برخی بر آن به عنوان عامل ترکیب و هماهنگ‌کننده و پیونددهنده عوامل تولید در فرایند تولید و حتی جایگزین انباشت سرمایه در رشد

۱. «الگو» (Pattern, Model, Mould, Standar) - در چارچوب الگوی نظری نه عملی (سرمشق) - در مباحث علمی اقتصادی معمولاً بیان (نمایش) انتزاعی ساختارها و چارچوب رفتاری عناصر اقتصادی را در بر دارد. همان گونه که الگوهای ریاضی با در بر گرفتن معادلات رفتاری، معادلات فنی و اتحادها، متغیرها و ضرایب و پارامترهای تعیین کننده رفتار عناصر اقتصادی را به همراه نحوه تعامل بین آنها نشان می‌دهند، الگوهای توصیفی غیر ریاضی نیز کم و کیف رفتارها را به صورتی ساده شده بیان می‌کنند. (ر.ک. به: داتا، ۱۳۶۹، ص ۱۳؛ شانون، ۱۳۷۱، ص ۸؛ Sarkar and Pfeifer, 2005, Vol.1, P.746)

۲. برخی مطالعات تجربی، نمودار نشان‌دهنده رابطه بین کارآفرینی و توسعه را منحنی‌ای L مانند نشان داده‌اند (Naude, 2008). برخی دیگر نیز نقش کارآفرینی در مراحل مختلف توسعه را به شکل S ترسیم کرده‌اند. (Acs & Szerb, 2010, P.7)

۳. به ویژه در ارتباط با نگاهها و مشاغل کوچک. (See: Koster & Rai, 2008)

اقتصادی تأکید کرده‌اند؛ برخی به آن به عنوان عامل بقای بنگاهها با ورود بنگاههای جدید که تأثیری احیاگرانه^۱ بر اقتصادها دارد، نگریسته‌اند (Praag & et al, 2007)؛ برخی کارآفرینی را غایت - نه صرفاً ابزار - به حساب آورده‌اند که البته به صورت خودکار، کارکرد ندارد (Gries & Naudé, 2010)؛ برخی ضمنی بودن آن را به عنوان جزیی از باقیمانده (جمله اختلال) توابع رگرسیونی بیان رشد اقتصادی گوشزد کرده‌اند (Ibid)؛ عده‌ای با مطرح کردن راهبردهای متعارف و کارآفرینانه برای اداره مخاطره کشورها، نقش کارآفرینی را در رویارویی با مخاطره مورد بحث قرار داده‌اند (Gregorio, 2005)؛ برخی با رویکرد توانایی‌ها، با نگرش نقش کارآفرینی در توسعه انسانی به موضوع پرداخته‌اند (Gries & Naude, 2010)؛ دیگران نیز به نقش کارآفرینی در توسعه پایدار پرداخته‌اند (Hall & Daneke & Lenox, 2010). در کنار آنچه گفته شد، علاوه بر آنکه بین نقش کارآفرینی در بلندمدت و کوتاه‌مدت و مراحل توسعه تمایز قائل شده‌اند، بین نقش کارآفرینی در سطح توسعه کشورها نیز تفاوت گذاشته‌اند.^۲ (Stam & Stel, 2009)

با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد کارآفرینی در رشد و توسعه اقتصادی در همه مراحل و با همه گستره‌های گذشته و معاصر، نقشی غیرقابل چشم‌پوشی و در بسیاری از موارد، تأثیری تعیین‌کننده دارد. البته در تفصیل این موضوع، باید به ابعاد مختلف این تأثیر با دقت و به طور اقتضایی و بدون مطلق‌گرایی پرداخته شود. در پایان شایان ذکر است که این تأثیر، لزوماً از طریق ایجاد اشتغال - آن گونه که از عبارت فارسی کارآفرینی برمی‌آید - تحقق نمی‌یابد. رابطه کارآفرینی و اشتغال از قبل قابل پیش‌بینی نیست. از جمله، در فضای تخریب مولدی که شوومپیتر مطرح می‌کند، برخی مطالعات نشان می‌دهند که کارآفرینی ممکن است به اشتغال منجر نشود و حتی در مواردی به بیکاری بینجامد^۳ و حتی به «تله توسعه»^۴ تبدیل شود. (ر.ک. به: صمدآقایی، ۱۳۸۰، ص ۱۹؛ شفیع‌زاده و شجاعی، ۱۳۸۷، ص ۵۰؛ سهرابی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۲؛ Naude, 2008, P.24)

1. Rejuvenating Effect

۲. در مطالعه مورد اشاره، با مطالعه ۳۶ کشور در چهار سال، نشان داده شده که کارآفرینی در کشورهای کم‌درآمد بی‌تأثیر و در در رشد اقتصاد کلان کشورهای پردرآمد و در حال انتقال، تأثیری قوی داشته است.
۳. حداقل پیامد منفی کارآفرینی برای برخی مشاغل و مؤسسات اقتصادی، بیرون راندن آنها از بازار و صحنه تولید به علت ناکارآمدی و استهلاک اقتصادی آنهاست.

4. Development Trap

«بامول»^۱ متذکر می‌شود که کارآفرینی می‌تواند مولد، غیر مولد [برای مثال، رانت‌جویانه] و حتی مخرب [برای مثال، با فعالیتهای غیر قانونی] باشد (Naude, 2008, P.2). همچنین تأثیر یادشده در بلندمدت می‌تواند با این تأثیر در کوتاه‌مدت متفاوت باشد و بروز بیکاری، در کوتاه‌مدت محتمل‌تر است.

متناسب با تفاوتی که در نگرش به کارآفرینی و کارآفرین وجود داشته است، ویژگی‌های مختلفی از آنها نیز در مطالعات متعدد مورد توجه قرار گرفته‌اند^۲ که به مهم‌ترین آنها به ترتیب اهمیت اشاره می‌شود:

- مخاطره‌پذیری؛^۳
- نوآوری و خلاقیت؛^۴
- خودانگیزگی^۵ و نیاز به توفیق یا توفیق‌طلبی؛^۶
- باور به کنترل خود بر (مهار) رویدادها (کنترل درونی)؛^۷
- استقلال‌طلبی (خوداتکایی / استقلال شخصی در تصمیم‌گیری)؛^۸
- تحمل ابهام^۹. (احمدپور، ۱۳۸۹، ص ۹۲-۸۱)

مخاطره‌پذیری، پذیرش احتمال کمی زیانها یا سودهای کمتر از انتظار، نظیر پذیرش مخاطره اصل سرمایه، مخاطره از دست دادن فرصت، مخاطره نرخ بهره، مخاطره تورم، مخاطره اقتصادی و مخاطره بازار را نشان می‌دهد. کارآفرینان در اقدام به مخاطره، بسیار

1. W. J. Baumol

۲. برای آگاهی از برخی جمع‌بندی‌های مستند ویژگی‌ها، ر.ک. به: مریدی (۱۳۷۹) با ارائه ۱۳ ویژگی و ۸ وظیفه؛ صمدآقایی (۱۳۸۰) با ارائه ۱۱ ویژگی زندگی کارآفرینانه؛ ممی‌زاده (۱۳۷۸) با ارائه ۱۵ ویژگی مشترک؛ مقیمی (۱۳۸۲) با ارائه مقایسه‌ای ویژگی‌های سازمانهای سنتی و کارآفرین؛ Perren (2003) با ارائه بلوکهای سازنده مفهومی کارآفرینی و تقاطع بین ویژگی‌های کارآفرینی و رهبری. همچنین Ma and Tan رویکرد چارچوب 4-P (Pioneer, Perspective, Practice, Performance) را برای ارائه ویژگی‌های کارآفرینان معرفی کرده‌اند.

3. Risk Acceptance
4. Innovation and Creativity
5. Personal Drive
6. Need for Achievement
7. Belief in Control Over Events
8. Need for Independence
9. Ambiguity Tolerance

حساب شده و با دقت عمل می‌کنند و تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا احتمالات را به نفع خود تغییر دهند. نیاز به موفقیت (دستاورد)، بیانگر تمایل به انجام دادن کار در سطح استانداردهای عالی، برای موفقیت در موقعیتهای رقابتی است. برای توضیح مفهوم و کارکرد کنترل درونی شایان ذکر است که هر گاه شخصی، بازخوردی را ناشی از عملکرد خود نداند و آن را به بخت و اقبال نسبت بدهد یا آن را تحت کنترل دیگران بداند، به کنترل بیرونی اعتقاد دارد و اگر شخصی رویدادی را پیامد رفتار و ویژگی‌های خود بداند، به کنترل درونی معتقد است. ویژگی موضع کنترل، بهتر از ویژگی نیاز به موفقیت می‌تواند تمایلات کارآفرینی را پیش‌بینی کند. بنا به ویژگی نیاز به استقلال، رضایت کارآفرینان از آنجا حاصل می‌شود که خود تصمیم می‌گیرند و کارها را به شیوه خود انجام می‌دهند و طبق برنامه خود عمل می‌کنند. ویژگی روان‌شناختی «نیاز به استقلال در کارآفرینان» را، داشتن کنترل بر سرنوشت خویش و کارفرمای خود بودن تعریف کرده‌اند. با تحمّل ابهام، کارآفرینان قادرند به طور مؤثر با شرایط و اطلاعات مبهم، ناقص، غیرقطعی، سازمان‌نیافته و غیر شفاف، کنار بیایند. (جعفرزاده و بازرگان، ۱۳۸۳، ص ۲۱۸)

نظریه توسعه اسلامی - ایرانی

با مروری بر آنچه درباره توسعه اقتصادی در مباحث گذشته گفته شد، روشن می‌شود که آنچه ابتدا با ایده رونق فیزیکی فعالیت اقتصادی و افزایش حجم تولید - به طور عمده تولید صنعتی - به عنوان بهسازی و پیشرفت و ترقی کشورها قلمداد و در بازسازی اقتصاد درهم شکسته پس از جنگ در اروپای غربی مطرح شد، به تدریج بر محور رشد اقتصادی به ویژه با الگوبرداری از سبک زندگی آمریکایی معطوف شد. این جهت‌گیری آنگاه با اهمیت یافتن گسترش و ارتقای ظرفیتهای در مفهوم توسعه تکمیل شد و در دهه‌های اخیر نیز با محوریت یافتن رفع نیازهای اساسی و فراگیر شدن رفاه و آینده‌نگری (همه نسلها و محیط زیست، نه فقط خود و حال حاضر)، به گستره اقتصاد انسانی راه یافت. در نظر گرفتن مردم و کرامت و شرافت و اخلاق انسانی در نظریه‌های معاصر توسعه، امید به رفع کاستی‌های گذشته را افزایش داده است. در این قسمت از بحث درصدد هستیم نگرشی اسلامی - ایرانی (بومی) به توسعه اقتصادی داشته باشیم و مقدمه‌ای بر نگرشی متفاوت -

اگر چه با سابقه‌ای دیرینه - درباره پیشرفت کشور که به ویژه در سالیان اخیر مورد توجه خاص قرار گرفته است، ارائه کنیم.

ملاحظات مبنایی درباره توسعه از منظر اسلامی بنا بر آیات قرآنی

- هدف از خلقت انسان - که خلیفه الهی در زمین است - با یک تغییر، بندگی خداوند^۱ بوده است، که حقیقت آن، بریدن از خود و دیگران برای گرایش تام به معبود و ذکر اوست. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۳۸۸)
- عملکرد شایسته حق گرایان، حیات طیبه و ستانده مضاعف را برای آنان به ارمغان می آورد. (نحل، آیه ۹۷)
- اصلاح - در مقابل افساد - ملاک فعالیت است. (قصص، آیه ۷۷)
- امنیت، عنصری قوام بخش و قرین دارندگی (قریش، آیه ۴) به حساب آمده است که بدون آن، تلاشها بی ثمر خواهند ماند.
- فقر، پدیده‌ای بیمناک (ترسیدنی) (بقره، آیه ۲۶۸) و عذابی نابودگر (بقره، آیه ۶۱) و آبادانی، یک الزام است (هود، آیه ۶۱).
- دادگستری، غایت ارسال رسل (حدید، آیه ۲۵) و حق و عدل، قوام هستی (الجاثیه، آیه ۲۲) و عامل بقا قلمداد شده است. (طباطبایی، همان، ص ۱۷۲)
- فراهم سازی برخی امکانات (رزق)، تضمین شده است. (عنکبوت، ۶۰)
- بدبینی نسبت به آینده در قاموس نگرش الهی معنا ندارد.^۲ (یوسف، آیه ۸۷)
- نفی سبیل واجب است (نساء، آیه ۱۴۱).^۳
- در تحلیل هزینه - فایده برای طراحی و انجام فعالیتها، گناه زبانی غیرقابل چشم پوشی در جهت سنگین کردن هزینه‌ها و در نتیجه، پرهیز است. (بقره، آیه ۲۱۹)

۱. از حضرت امام صادق (ع) در توضیح آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، آیه ۵۶) نقل شده است که به نقل از امام حسین (ع) فرمودند: «أَنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرَهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ وَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَعْنُوا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ». (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۷۵)

۲. نصرت و نجات مؤمنین نیز تضمین شده است. (یونس، آیه ۱۰۳؛ روم، آیه ۴۷)

۳. در نتیجه، دستیابی به کارآمدی که راه را بر نفوذ و تسلط خصم می‌بندد، ضرورت است. درباره قاعده نفی سبیل، ر.ک. به: علی دوست، ۱۳۸۳.

- در این میان، اگر چه اعتقاد و گرایش الهی، در برخی قلمروها تعیین کننده و برکت آفرین است (اعراف، آیه ۹۶؛ جن، آیه ۱۶)، اما برخی پیامدها و آثار وضعی، بدون تفاوت گذاری بین مخلوقات، در اصل - نه مقدار و کیفیت - تحقق می یابند (اسراء، آیه ۲۰).^۱ (طباطبایی، ج ۱۳، ص ۶۶)

نظریه توسعه اسلامی - ایرانی در بیانات مقام معظم رهبری

نگرش مبنایی به پیشرفت و آبادانی و طرح حیات طیبه و تعالی و اصلاح و احیا در قلمرو فعالیت‌های اقتصادی، ارائه نظریه‌ای متفاوت با نظریات متعارف توسعه را الزامی می‌کند. این نظریه به ویژه در سالهای اخیر از سوی مقام معظم رهبری نیز مطرح شده است. مقام معظم رهبری، مختصات پیشرفت را برای ترسیم قواره و نمای کلی آن، به همراه برخی پیش نیازها و موانع پیشرفت بیان کرده و بارها به الگوسازی علمی بومی برای تبدیل این نظریه به برنامه‌ای عملیاتی و بحث نظری و بازاندیشی و ایده‌پردازی در قلمرو توسعه و استقبال از تحوّل و نوآوری تأکید فرموده‌اند. از دیدگاه ایشان، دو پایه اصلی تخلف‌ناپذیر اقتصاد اسلامی در سطح کلان عبارتند از: «افزایش ثروت ملی» و «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی»؛ که اولی، شرط دومی است؛ زیرا اگر تولید ثروت نشود، نخواهیم توانست فقر را برطرف کنیم.^۲

در اینجا خلاصه‌ای از رهنمودهای ایشان به صورت فهرست وار ارائه می‌شود تا مبنای مقایسه با توسعه در دیدگاه‌های برشمرده شده متعارف قرار گیرد:^۳

۱. مقام معظم رهبری تأکید می‌کنند که «سنت الهی بر این قرار گرفته است که هر ملتی تلاش و کار کند، بدون تردید نتیجه آن را خواهد دید. تلاش به دین و ایمان و کفر و اسلام، ارتباطی ندارد؛ قرآن این را می‌گوید. من بارها این آیه را گفته و خوانده‌ام: «کَلَّا نَمَلُّهُ هُوَ لَاءَ وَ هُوَ لَاءَ»؛ ما به همه کمک می‌کنیم؛ این سنت الهی است. هر کس در راه یک مقصودی تلاش کرد، خدای متعال این سنت را قرار داده است که این تلاش به نتیجه خواهد رسید.
۲. حضرت امام (ره) نیز به بیانی دیگر و از دیدگاهی دیگر به این موضوع نگریسته‌اند: «لکن ما باید اول اصول مطلب را درست کنیم. ایرانی داشته باشیم، اسلامی داشته باشیم، تا بعد راجع به آبادی این و راجع به فروعش صحبت کنیم.» (امام خمینی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۱۸۱)
۳. در این ارائه، به طور عمده از بیانات مقام معظم رهبری در تاریخهای (۱۳۶۹/۰۹/۱۹)، (۱۳۷۵/۰۲/۲۵)، (۱۳۷۷/۱۲/۱۴)، (۱۳۷۹/۰۹/۱۲)، (۱۳۸۳/۳/۲۷)، (۱۳۸۳/۰۶/۲۳)، (۱۳۸۴/۰۲/۱۸)، (۱۳۸۴/۰۲/۱۹)، (۱۳۸۵/۰۷/۱۳)، (۱۳۸۵/۸/۱۸)، (۱۳۸۵/۱۱/۳۰)، (۱۳۸۶/۰۲/۲۵)، (۱۳۸۶/۱۰/۱۳)، (۱۳۸۷/۰۷/۰۳)، (۱۳۸۷/۰۷/۰۷)، (۱۳۸۸/۰۲/۲۷)، (۱۳۸۸/۰۱/۰۹) و (۱۳۸۹/۰۷/۱۴) استفاده شده است.

- پسندیده بودن پیشرفت^۱ و وظیفه بودن آباد کردن^۲؛
 - هم‌مفهوم‌سازی «توسعه» با «غربی شدن» از سوی دنیای غرب^۳؛
 - وجود نکات مثبت در توسعه غربی^۴ و وجوه مشترک^۵ اما تفاوت در مبانی معرفتی الگوها (فلسفی و اخلاقی و ...) و نگرشها و مختصات و شاخصها^۶؛
 - ناموفق بودن الگوی توسعه غربی؛
 - لزوم طراحی و پیگیری الگوی بومی^۸؛
 - پنج نکته مؤثر^۹ و مهم‌تر در مجموعه معارفی که خطوط اصلی عملکرد و وظایف از آنها به دست می‌آید شامل توحید؛ تکریم انسان و به عبارتی انسان‌محوری با بینش خاص اسلامی^{۱۰}؛ تداوم حیات بعد از مرگ؛ استعداد بی‌پایان انسان؛ و اینکه جریان عالم
-
۱. تشویق اسلام به علم و عمل و تلاش و فعالیت، از همین جهت است.
 ۲. آبادی؛ یعنی استعدادهای بی‌پایانی که در عالم ماده وجود دارد را یکی یکی کشف کردن، آنها را در معرض استفاده انسان قرار دادن و انسان را به این وسیله به جلو بردن. نگرش اسلام به انسان از دو زاویه فردی و کلان که در نگرش اول، زهد (دل‌باخته و دل‌بسته دنیا نبودن) و در نگرش دوم، خلیفه خدا بودن در زمین و به عبارتی؛ مدیریت و آباد کردن دنیا مطرح می‌شود.
 ۳. در بیان سیر تحول اندیشه‌های توسعه نیز ترویج «سبک زندگی آمریکایی» به عنوان «توسعه» مطرح شد.
 ۴. از جمله: روح خطرپذیری، ابتکار، اقدام و انضباط که همگی برای پیشرفت لازم هستند.
 ۵. از جمله: صنعتی شدن و فراصنعتی شدن کشور، خودکفایی در مسائل حیاتی و اساسی، وفور تولیدات، وفور صادرات، افزایش بهره‌وری، ارتقای سطح سواد، ارتقای سطح معلومات عمومی مردم، ارتقای خدمات شهروندی، رشد نرخ امید به زندگی، کاهش مرگ و میر کودکان، ریشه‌کنی بیماری‌های گوناگون و رشد ارتباطات. این شاخصها، «شاخصهایی است که در دنیا برای یک کشور پیشرفته ذکر می‌کنند و ما این شاخصها را قبول داریم. منتها توجه داشته باشید این شاخصها را وقتی که به ما تحویل می‌دهند - به ما که تشکیل‌دهنده این شاخصها نیستیم - در لابه‌لای آن، چیزهایی است که دیگر آنها جزء شاخصهای پیشرفت و توسعه نیست؛ چیزهایی را به میان می‌آورند که این صادر کردن فرهنگ مخالف با هویت و شخصیت ملی و میل برای وابسته کردن کشورهاست».
 ۶. که در مشروعیت، مطلوبیت و عادلانه بودن الگوی توسعه، تعیین‌کننده است.
 ۷. حرف نوی اسلام در زمینه‌های اخلاق، معنویت، معرفت الهی، انسان‌دوستی و ارتباطات و عواطف بشری را باید در نظر گرفت و اینها را هم جزء معیارهای پیشرفت دانست.
 ۸. با توجه به عناصر اصلی هویت ملی - از جمله آرمانها - مردم و شرایط تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و شکل حکومتی و شرایط طبیعی، انسانی و زمانی و مکانی.
 ۹. در عمل و اقدام فرد و دولت.
 ۱۰. ملاحظه پیشرفت برای انسان و به وسیله انسان و هدف بودن رشد و تعالی انسان.

به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است. نتایج عملی و وظایف معتقدان به این مبانی عبارتند از: عبودیت و اطاعت خداوند؛ هدف گرفتن تعالی انسان؛ ترجیح فلاح و رستگاری آخری بر سود دنیوی؛ مجاهدت و تلاش^۱ و مبارزه و امید به پیروزی در همه شرایط، به شرط آنکه جهاد فی سبیل الله باشد.

- لزوم ملاحظه و رعایت عدالت و هدف بودن و مناقشه ناپذیر بودن عدالت در هر صورت و در همه شرایط؛
- در نظر گرفتن انسان به عنوان یک موجود دو ساحتی (دارای جنبه مادی و معنوی^۲ و دارای دنیا و آخرت^۳) به عنوان فارق عمده^۴؛
- تضمین کنندگی استقلال^۵ (هر الگوی پیشرفتی باید تضمین کننده استقلال کشور باشد) و دنباله‌رو نبودن؛
- مبارزه^۶، تعهد در قبال یکدیگر^۷، حساس بودن در قبال روند و رویدادهای بزرگ دنیا، نقش پذیری در تأثیر گذاری بر سیاستهای جهانی و طراحی‌های مهمی که در عرصه بین‌المللی مورد توجه است.
- اهمیت فراوان محیط زیست.

۱. این تلاش، خود مجاهده می‌تواند باشد. جهاد یعنی تلاش بی‌وقفه، همراه با خطرپذیری - البته در حد معقول - و پیشرفت و امید به آینده. «هر تلاشی که در مقابله با دشمنان باشد، مجاهدت است و در عرف اسلامی، اسمش جهاد است، اگر با اخلاص و درست انجام بگیرد».
۲. پیشرفت جامعه به این شکل که با معنویت همراه است، مورد نظر اسلام است.
۳. تأکید بر تعادل دنیا و آخرت.
۴. جامعه اسلامی آن وقتی پیشرفته است که نه فقط دنیای مردم را آباد کند، بلکه آخرت مردم را هم آباد کند: «لیس منا من ترک آخرته لدنياه ولا من ترک دنياه لآخرته - قل من حرم زینه الله الّتی اخرج لعباده والطّیبات من الرّزق».
۵. پیشرفت وابسته، سراب است.
۶. در مقابل عاقبت‌طلبی و گوشه‌نشینی و بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت دیگران. البته این میدان لزوماً هم میدان جنگ نظامی نیست. امروز مهم‌تر از جنگ نظامی، نبردهای سیاسی و نبردهای اخلاقی است.
۷. «کلکم راع (رعایت کننده) و کلکم مسئول عن رعیه». آن تحول اجتماعی یا اقتصادی‌ای که انسانها را نسبت به هم بی‌تفاوت و بی‌محبت می‌کند، ممدوح نیست؛ مذموم است.

در یک عبارت کوتاه، حیات طیبه اسلامی^۱ باید هدف نهایی^۲ پیشرفت اسلامی قرار بگیرد. البته روشن است که مخالفان، تحقق چنین هدفی و الگو شدن جمهوری اسلامی ایران را تحمّل نخواهند کرد. به همین دلیل لازم است به تهدیدهای فراروی فرایند توسعه اسلامی - ایرانی نیز توجه داشته، برای آنها ملاحظاتی را در نظر بگیریم.

شایان ذکر است که در طراحی و اجرای الگوی مطلوب، انتفاع «انسانیت» - نه طبقه‌ای از انسان، حتی نه انسان ایرانی - مورد توجه است و با توجه به جنبه مبنایی، این امکان وجود دارد که سایر کشورها - به ویژه کشورهای اسلامی - نیز از نمونه اسلامی جمهوری اسلامی ایران الگوبرداری کنند. البته از آنجا که الگوی توسعه ملی نسبت به ملت‌های مختلف، گوناگون است، الگوبرداری سایر کشورها نیز با تأکید بر جنبه اسلامی و مشترکات خواهد بود.

ویژگی‌های بسیج ناب و نسبت آن با نظریه توسعه اسلامی - ایرانی نهاد «بسیج»^۳ در چارچوب اصل ۱۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۴ شکل گرفته

۱. حیات طیبه اسلامی، زندگی‌ای است که در آن، راه رسیدن به معنویت و اهداف و سرمنزلهای نهایی این راه، از زندگی دنیایی مردم عبور می‌کند. اسلام، دنیای مردم را آباد می‌کند؛ اما آبادی دنیا، هدف نهایی نیست. هدف نهایی عبارت است از اینکه انسانها در زندگی دنیوی از معیشت شایسته و مناسب، از آسودگی و امنیت خاطر و از آزادی فکر و اندیشه برخوردار باشند و از این طریق به سمت تعالی و فتوح معنوی حرکت کنند. حیات طیبه اسلامی شامل دنیا و آخرت - هر دو - است. مقام معظم رهبری مراحل دستیابی به هدف بلندمدت اسلامی را این گونه ترسیم می‌کنند: انقلاب اسلامی؛ نظام اسلامی؛ دولت اسلامی؛ کشور اسلامی و دنیای اسلامی. شایان ذکر است که حضرت امام نیز از «حکومت بزرگ اسلامی» یاد کرده‌اند. (امام خمینی، ۱۳۷۱، ج ۲۱، ص ۱۹۱)

۲. برای تحقق هدف باید نکاتی به تأکید ملاحظه شوند که از آن جمله‌اند: ضرورت پیشرفت علمی در علوم مختلف؛ جوشش درونی و جایز نبودن دنباله‌روی؛ جایز نبودن تبلی و تن‌آسایی و محول کردن کار به یکدیگر.

۳. بنا به معنی لغوی، «بسیج» (بسیج/پسیج) اسم مصدر به معنی ساختگی کارها و کارسازی‌ها و ساخته شدن و آماده گردیدن و «بسیجیدن» به معنی کارها را آراسته و مهیا و آماده کردن؛ کارسازی کردن و استعداد نمودن است. (لغتنامه دهخدا)

۴. به حکم آیه کریمه «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم الله یعلمهم»، دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم کند؛ به طوری که همه افراد همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند.

است. ^۱ حضرت امام (ره) بسیج را «شجره طیبه»، «مدرسه عشق» و «الشکر مخلص خدا» می‌دانستند که دفتر تشکل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضا کرده‌اند.

از دیدگاه مقام معظم رهبری: «بسیج جزء سازمانهای نظامی به معنای خاص آن به حساب نمی‌آید. بسیج؛ یعنی پیشگام و پیشقراول در همه میدانهای مورد نیاز کشور و نظام اسلامی» (۱۳۷۹/۵/۶). «انکار بسیج، انکار بزرگ‌ترین ضرورت و مصلحت برای کشور است و اگر بخواهیم بسیج را در یک تعریف کوتاه معرفی کنیم، باید بگوییم بسیج عبارت است از مجموعه‌ای که در آن، پاک‌ترین انسانها، فداکارترین و آماده‌به‌کارترین جوانان کشور در راه اهداف عالی این ملت و برای به کمال رساندن و به خوشبختی رساندن این کشور جمع شده‌اند. بسیج، عبارت است از تشکیلاتی که در آن، افراد متفرق و تنها، به یک مجموعه عظیم و منسجم، به یک مجموعه آگاه، متعهد، بصیر و بینای به مسائل کشور و به نیاز ملت، تبدیل می‌شوند.» (۱۳۷۶/۹/۵)

ایشان همچنین ویژگی‌های بسیج را چنین معرفی می‌فرمایند:^۲

- یکی از آیات قدرت الهی؛
- همواره جلودار، خط شکن و پیشرو و پیشقدم؛
- حاضر^۳ در همه مکانها، در همه زمانها، در همه عرصه‌ها و میدانها و در همه قشرها؛

- دارای سه عنصر بصیرت، اخلاص، عمل بهنگام و به اندازه؛
- آماده سرمایه‌گذاری از امکانات خود و آماده برآوردن نیازهای انقلاب است، در هر زمان و از هر نوع (وظیفه‌مدار) در حد فداکاری؛^۴

۱. حضرت امام (ره) از روز اول پیروزی یا حتی قبل پیروزی، با کشاندن مردم به عرصه، با گذاشتن بار حرکت به دوش مردم، با اعتماد به مردم، پایه بسیج را گذاشته است.

۲. ویژگی‌های مذکور از بیانات مقام معظم رهبری در روزهای مورخ (۱۳۶۸/۹/۲)، (۱۳۶۹/۶/۲۹)، (۱۳۶۹/۹/۱)، (۱۳۶۹/۹/۵)، (۱۳۷۱/۸/۲۷)، (۱۳۷۵/۸/۳۰)، (۱۳۷۶/۴/۲۵)، (۱۳۷۶/۹/۵)، (۱۳۷۶/۱۱/۱۱)، (۱۳۷۷/۹/۲)، (۱۳۷۸/۶/۱۰)، (۱۳۷۹/۵/۶)، (۱۳۷۹/۹/۵)، (۱۳۸۴/۶/۲)، (۱۳۸۶/۰۲/۳۱)، (۱۳۸۸/۰۹/۰۴)، (۱۳۸۹/۴/۲)، (۱۳۸۹/۷/۱)، (۱۳۸۹/۰۸/۰۲) استخراج شده است.

۳. بسیج عرصه جهاد است، نه قتال. جهاد؛ یعنی حضور در میدان با مجاهدت، با تلاش، با هدف و با ایمان.

۴. هر جا حضور شجاعانه و فداکارانه و مخلصانه ضرورت پیدا می‌کند، بسیج در خط مقدم قرار می‌گیرد. ... نمی‌گوییم فقط بسیجی‌ها مؤمنند؛ نه، مؤمن زیاد است، انقلابی زیاد است، همه هم خوبند؛ اما یک عده در میان انقلابیون پیدا می‌شوند که آمادگی‌شان، کمر بستگی‌شان، پا به رکاب بودنشان، شجاعتشان، اخلاصشان برای رفتن به سمت هدفهای انقلاب از دیگران بیشتر است؛ اینها بسیجی هستند.

- شجره طیبه (درخت تناور و پر ثمر) و تمام ناشدنی؛
- داوطلب^۱ آزاده (نه اسیر خواستهای حقیر) و بی‌رنگ بی‌ادعا؛
- منطقی و عمیق و منطبق بر نیازهای دنیای اسلام^۲ و به طریق اولی، جامعه اسلامی؛
- دلسوز و تلاشگر آبادانی و حافظ استقلال کشور؛
- بی‌محابا؛
- از متن مردم؛^۳
- مایه قوام انقلاب و گره‌گشای معضلات کشور.^۴

با توجه به شباهتی که بین ویژگی‌های «کارآفرینان» و نقش آنان در توسعه متعارف و «بسیجیان» و نقش آنان در انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران و به تبع آن، در توسعه کشور وجود دارد، در اینجا مناسب به نظر می‌رسد مقایسه‌ای در این زمینه انجام دهیم. همان گونه که در بحث نقش کارآفرینان در توسعه از دیدگاه صاحب‌نظران توسعه متعارف اشاره شد، کارآفرین؛ موتور و پیشران توسعه، از منابع مهم و پایان‌ناپذیر جامعه، پیونددهنده عوامل تولید، جایگزین نارسایی‌های ناشی از کمبود انباشت سرمایه، عامل بقا با نو شوندگی و شکوفایی، موضوعیت داشتن،^۵ عنصر ناشناخته و مسکوت و پشت پرده اما مؤثر (جزء باقیمانده تابع رگرسیون)، مقابله‌کننده با مخاطرات، توان‌آفرین و ظرفیت‌ساز و موجب ماندگاری و پایایی توسعه با فراگیر کردن منافع توسعه و جلوگیری از خدشه‌دار شدن امکانات در پی استفاده از آنها می‌شود.

مروری بر نقشی که برای بسیج ترسیم شده است نیز به گونه‌ای شگفت‌انگیز در برخی

۱. نیرویی که این وظیفه را بر حسب حد و حدود و خط‌کشی‌های رایج اداری و قشری، برعهده‌اش نگذاشته‌اند؛ اما داوطلبانه وارد میدان شده و دارد ابراز آمادگی می‌کند و حضور خودش را اعلام می‌کند.

۲. هدف فقط سر و سامان دادن به وضع کشور نیست. دنیای اسلام، بلکه جامعه بشریت نیازمند کمک به آنها از سوی اسلام و امت اسلامی است.

۳. [از کار افتاده و لابلای و کم‌انگیزه و بجه‌های کوچک نرسیده به حد انگیزه را جدا کنیم] سر و ته قضیه را که زدید، آن لب مطلب، بسیج است؛ یعنی همه نیروهای مؤمن پُرانگیزه با شور با توان در جامعه اسلامی - اعم از زن و مرد - عضو بسیجند ... بسیج یعنی متن مردم؛ آن مردمی که می‌توان امید دفاع از انقلاب را از آنها داشت ...

۴. رمز پایداری، ماندگاری، و عزت ملی.

۵. نه فقط ابزار صرف.

محورهای عمده، نقش کارآفرین را در توسعه اسلامی تداعی می‌کند. صرف نظر از وجوه مشترک توسعه اسلامی - ایرانی با توسعه متعارف در جدیدترین ویرایش بین‌المللی آن (توسعه انسانی پایدار و اخلاق‌محور و نهادی)، عمده‌ترین وجوه افتراق این دو نظریه، از جمله در موارد ذیل در چارچوب نظریات توسعه متعارف - که هنوز تحت سیطره آشکار دنیای غرب هستند - به نظر می‌رسد:

- در نگرش به انسان از دیدگاه الهی با نادیده گرفتن ساحت معنوی و آبادی مرحله اخروی زندگی بشری؛

- محدود کردن مفهوم و گستره عدالت به برابری در توزیع درآمد و مسکوت گذاشتن ابزار و فرایند (وسیله) و انصاف در کاربرد منابع توسعه (جواز استعمار و استثمار مدرن سایر کشورها به صورت آشکار یا پنهان)؛

- حساس نبودن درباره استقلال که در عصر جهانی شدن کم‌رنگ‌تر از گذشته جلوه داده می‌شود؛

- عدم تعهد نسبت به وضعیت و سرنوشت سایر انسانها و کشورها؛

- نادیده گرفتن ملاحظات بومی و هویت ملی - تمدنی کشورها در الگوسازی.

بسیجی معرفی شده آرمانی (بسیجی ناب) نیز در کلیات وجوه افتراق توسعه اسلامی نسبت به توسعه متعارف غربی، با کارآفرین غربی متفاوت است. بسیجی یک عنصر نظامی نیست، اگر چه بنا به نیاز با ماهیت دوزیستی، خود را در خدمت دفاع مسلحانه از انقلاب و نظام اسلامی نیز قرار می‌دهد. او صرفاً کارآفرین نیست، بلکه ارزش آفرین و فرصت‌ساز است. او به نظر می‌رسد به ویژه در بلندمدت، می‌تواند نقشی بسیار تعیین‌کننده برای توسعه اسلامی - ایرانی ایفا کند، به ویژه آنکه قوام و آینده انقلاب و نظام اسلامی به وجود بسیج وابسته است. بسیجی، منبع ثمربخش تمام‌نشدنی و پایان‌ناپذیر و شجره طیبه برای کشور است. او با حضور و آمادگی در همه جا و همه وقت و همه فعالیت‌های تعیین‌کننده، شبکه‌ای توانمند از منابع و توانهای پراکنده ایجاد کرده، با پیوند آنها، روح

۱. درباره "Entrepreneurship" نیز گفته شد که این اصطلاح فقط به ایجاد فرصت شغلی مربوط نمی‌شود، بلکه یک شیوه زندگی است.

پویایی و تحرک و فزاینده‌گی به عناصر از هم گسسته می‌دمد. بسیجی، پرکننده خلاءهای کشور و جایگزین نداشته‌هاست و سرانگشتان او گره‌گشای کشور است. او پرانگیزه و با شور و الگوی نشاط و سرزندگی و پویایی است و در عین حال، بی‌ادعا و بدون توقع، آزاد از طمع‌ها و چشمداشت‌هاست.

با این توضیحات، به نظر می‌رسد که بسیجی ناب یک ارزش‌آفرین کارگشای پیشقدم است که در نگرش دنیوی و مادی‌اش، تا حدی در مفهوم "Entrepreneur" جستجو شده است و در توسعه اسلامی - ایرانی می‌تواند به عنوان عاملی مؤثر و پیشران پالاینده، ایفای نقش کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

مطالعه مقایسه‌ای نقش "Entrepreneur" در نظریه توسعه اقتصادی متعارف و نقش بلندمدت عنصر بسیجی در قوام و استمرار و گره‌گشایی و انگیزش نظام و انقلاب اسلامی، این فرضیه را اثبات می‌کند که «نسبت بسیج ناب (آرمانی) با توسعه اسلامی - ایرانی، متناظر نسبی نسبت کارآفرینی با توسعه متعارف اقتصادی است»^۱.

البته روشن است که سازمان بسیج موجود و مفهوم بسیج مطرح شده در جامعه، با وجود تلاش‌های انجام شده ارزشمند، لزوماً با بسیج آرمانی (ناب) مطابقت ندارند و ایجاد نقشه راه و تدوین گام‌های ضروری و پیگیری بی‌وقفه و جدی آنها برای دستیابی به بسیج مطلوب - آن گونه که مقام معظم رهبری تدبیر می‌کنند - الزامی تحلف‌ناپذیر برای کل نظام است. در این میان، برخی پیشنهادهای راهبردی برای تحقق عملی و نهادینه کردن نقش بسیج ناب در توسعه کشور به صورت ذیل قابل پیگیری به نظر می‌رسد:

۱. بسیجی شدن و به ویژه بسیجی ماندن - که مورد تأکید مقام معظم رهبری قرار گرفته است - نیازمند آموزش و تربیت و تمرین و ممارست است. الگوی بسیج ناب باید

۱. بر اساس آنچه در مفهوم لغوی «بسیج» ذکر شد، این تناظر حتی در معنای لغوی (تناظر «کارسازی» با «کارآفرینی» و ملاحظه هر دو به عنوان سبک زندگی) نیز مشاهده می‌شود.

بازشناسی و تعریف عملیاتی و شاخص گذاری شود و خود و مؤلفه‌های اصلی آن در قالب برنامه‌های آموزشی - با رعایت استانداردهای برنامه‌ریزی آموزشی - و پرورشی علاوه بر سازمان بسیج، در نظام آموزشی کشور از ابتدایی تا تحصیلات تکمیلی به گونه‌ای خردمندانه گنجانده شود. روشن است که این تعبیه شدن نهادینه در نظام آموزشی سازمانی و سراسری، در بسیاری از موارد با آموزش مؤلفه‌های محوری حتی به صورتی ضمنی و بدون به کار بردن نام بسیج، فراگیری بیشتری می‌یابد. به عنوان مثال، نوآوری و کارآفرینی که از جلوه‌های بارز بسیجی ناب قلمداد شد، بدون نام بردن از بسیج، به عنوان یک موضوع مستقل یا در قالب مباحثی دیگر، باید در برنامه‌های آموزشی همگانی رسمی کشور در دستور کار قرار گیرد. ترویج هنرمندانه و گاهی غیر مستقیم فرهنگ بسیجی نیز می‌تواند در این راه بسیار مؤثر باشد.

۲. اگر چه در حال حاضر و با تدبیر مقام معظم رهبری و با الگوی ترسیمی بسیج ناب، گستره کارکرد غیر نظامی و به ویژه فرهنگی بسیج، بسیار وسیع تر از کارکرد نظامی آن است، اما کارکرد نظامی و به ویژه اطلاعاتی و امنیتی بسیج را نیز نباید از نظر دور داشت. بنابر این، با توجه به گستره نظام وظیفه عمومی در کشور، به نظر می‌رسد نوعی ایجاد رابطه بین نظام وظیفه و بسیج همگانی که از اهداف اصلی هر دو، ایجاد و حفظ آمادگی فراگیر است، مفید و اثربخش باشد. البته در این مجال، استفاده از نیروهای بسیجی که وظیفه اولیه نظامی و انتظامی ندارند، باید با درایت و به گونه‌ای باشد که کارکردهای اصلی و بلندمدت بسیج فراگیر در پیشرفت کشور را خدشه‌دار نکند.

۳. سازماندهی مجازی بسیج ناب، بسیار فراتر از سازماندهی بسیجیان در قالب سازمان بسیج موجود است. در سازماندهی مجازی، شبکه پیوند و هماهنگی برنامه‌ریزی شده‌ای با یک بانک اطلاعات فراگیر و جامع در تمامی اقشار و مشاغل و مناطق و سنین و جنسیتها و ... - البته با رعایت دقیق رده‌بندی‌های حفاظتی - ایجاد و افراد عضو این شبکه گسترده، با برنامه‌ریزی در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند. از جمله، با تشکیل شرکتهای ثبت شده رسمی، در فعالیتهای اقتصادی و توسعه‌ای و عمرانی کشور، بدون شائبه تبعیض و رانت‌جویی، مشارکتی مؤثر ایفا می‌کنند. در این میان، علاوه بر نیروهای پرشور جوان، بازنشستگان نیز به عنوان نیروهای مجرب و آزموده می‌توانند نقش متناسب خود را داشته باشند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (بی تا)؛ کتاب العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۹)؛ کارآفرینی: تعاریف، نظریات و الگوها، تهران، جاجرمی، چ نهم.
۵. امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۱)؛ صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
۶. پالمیر، رابرت روزول (۱۳۸۴)؛ تاریخ جهان نو، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران، امیرکبیر.
۷. جعفرزاده، مرتضی و عباس بازرگان (۱۳۸۳)؛ «تحلیل عوامل مؤثر در کارآفرینی دانش آموختگان دانشگاه تهران»، فرهنگ مدیریت، ش ۷ (زمستان).
۸. خامنه ای، سیدعلی؛ بیانات، پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری.
۹. داتا، م. (۱۳۶۹)؛ روشهای اقتصادسنجی، ترجمه ابوالقاسم هاشمی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۰. رستگار، عباس علی (۱۳۸۷)؛ «آموزش ارزش آفرینی یا کارآفرینی: ارائه و تبیین مدل مفهومی آموزش ارزش آفرینی در مراکز دانشگاهی»، کار و جامعه، ش ۹۸ و ۹۹ (مرداد و شهریور).
۱۱. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷)؛ «اقتراح: نسبت دین و توسعه»، قیاسات، ش ۷ (بهار)، ص ۲۵-۲.
۱۲. سهرابی فرد، نسرین؛ علی اکبر خسروی و حیدرعلی هومن (۱۳۸۵)؛ «رواسازی مقیاس سنجش کارآفرینی در مدیران دستگاههای دولتی»، روان شناسان ایرانی، ش ۸ (تابستان).

۱۳. شانون، رابرت (۱۳۷۱)؛ **علم و هنر شبیه‌سازی سیستمها**، ترجمه علی اکبر عرب‌مازار، تهران، نشر دانشگاهی.
۱۴. شفیع‌زاده، حمید و جواد شجاعی (۱۳۸۷)؛ «کارآفرینی و اشتغال‌زایی»، کار و جامعه، ش ۹۸ و ۹۹ (مرداد و شهریور).
۱۵. صمدآقایی، جلیل (۱۳۸۰)؛ «کارآفرینی ضد اشتغال! موتور توسعه اقتصادی»، تدبیر، ش ۱۱۴ (مرداد).
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق)؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ پنجم.
۱۷. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۳)؛ «قاعده نفی سبیل»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۶ (۳)، فقه.
۱۸. فیض‌کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ ق)؛ **تفسیر الصافی**، تحقیق حسین اعلمی، [بی‌جا]، الصدر، چ دوم.
۱۹. مریدی، سیاوش (۱۳۷۹)؛ «فرصتها و محدودیتهای کارآفرینی در اقتصاد ایران»، تدبیر، ش ۱۰۹ (دی).
۲۰. مقیمی، سید محمد (۱۳۸۲)؛ «سازمانهای غیر دولتی کارآفرین»، فرهنگ مدیریت، ش ۳ (بهار و تابستان).
۲۱. ممی‌زاده، جعفر (۱۳۷۸)؛ «کارآفرینی و توسعه»، توسعه مدیریت، ش ۷ (آبان).
۲۲. یوسفی، محمد قلی (۱۳۸۸)؛ **استراتژی‌های رشد و توسعه اقتصادی**، تهران، نی.
23. Acs, Zoltan J. & Laszlo Szerb (2010). **Global Entrepreneurship and the United States**, Office of Advocacy, U.S. Small Business Administration: www.sba.gov/advo/research/rs370tot.pdf.
24. **DESA: Department of Economic and Social Affairs of the United Nations Secretariat (2007). Indicators of Sustainable Development: Guidelines and Methodologies**, United Nations.
25. Desai, Sameeksha (2009). "Measuring Entrepreneurship in Developing Countries", *United Nations University, Research Paper*, No. 10 (March).
26. Gregorio, Dante Di (2005). "Re-thinking Country Risk: Insights from Entrepreneurship Theory", *International Business Review*, N.14.

27. Gries, Thomas & Wim Naudé (2010). "**Entrepreneurship and Human Development: A Capability Approach**", *United Nations University, Working Paper*, No.68 (June).
28. Hall, Jeremy K. & Gregory A. Daneke & Michael J. Lenox (2010). "**Sustainable Development and Entrepreneurship: Past Contributions and Future Directions**", *Journal of Business Venturing*, N.25.
29. Hill, Marguerite Elizabeth (2003). **The Development of an Instrument to Measure Intrapreneurship: Entrepreneurship with in the Corporate Setting**, Masters Thesis, Rhodes University.
30. IDRC: The International Development Research Centre: A Canadian Crown Corporation (2010). **2. Definitions and Concepts**: http://www.idrc.ca/en/ev-114151-201-1-DO_TOPIC.html.
31. Koster, Sierdjan & Shailendra Kumar Rai (2008). "**Entrepreneurship and Economic Development in a Developing Country: A Case Study of India**", *The Journal of Entrepreneurship*, 17, 2.
32. Naude', Wim (2008). "**Entrepreneurship in Economic Development**", *United Nations University, Research Paper*, No. 20 (March).
33. Naude', Wim (2009). "**Entrepreneurship is not a Binding Constraint on Growth and Development in the Poorest Countries**", *World Institute for Development Economic Research (UNU-WIDER), Working Papers*, No. 45.
34. Perren, Lew (2003). "**Comparing Entrepreneurship and Leadership: A textual Analysis**", *Working Paper*, the Council for Excellence in Management and Leadership.
35. Praag, C; M. Van & P.H. Versloot (2007). **What is the value of entrepreneurship? A Review of Recent Research**. *Jena Economic Research Papers*.
36. Sarkar, Sahotra and Jessica Pfeifer (2005). "**The Philosophy of Science**", *Encyclopedia*, Routledge.
37. Smith, Adam (1809). **An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations**.
38. Sobel, Russell S. "**Entrepreneurship**", in the Concise Encyclopedia of Economics.
<http://www.econlib.org/library/Enc/Entrepreneurship.html>.
39. Stam, Erik & André van Stel (2009). "**Types of Entrepreneurship and Economic Growth**", *United Nations University, Research Paper*, N.47.
40. UNDP: The United Nations Development Programme (1990). **Human Development Report 1990 (HDR)**, Oxford University Press.